

انتخابات و

دید عشرتی حاکمان اسلامی در باره حقوق زن!

کلتوم سلطانی



بی حقوقی زنان در ایران و جوامع عقب افتاده پدیده بسیار وحشیانه ای است که در طول تاریخ زنان مورد ظلم و ستم و تعدی قرار گرفته اند . تهاجم تاریخی برابر با زمان تسلط قدرت جسماتی بر ساختار اجتماعات اولیه همراه بوده و هنوز به اشکال مختلف ادامه دارد . رشد ساختار سیاسی در بستر تحولات اجتماعی و شرکت مردم در سرنوشت خود برخورد به حقوق زنان نیز مورد توجه قرار گرفته است متأسفانه بنابه رشد ناموزن اجتماعی و اقتصادی در جوامع بشری در برخی از جوامع عقب افتاده و حکومت‌های مرد سالارانه حقوق زنان نادیده گرفته و حقوق فردی و اجتماعی زنان مورد تجاوز بیرحمانه قرار می‌گیرند . علاوه بر ظلم مضاعفی که بر زنان در جوامع عقب افتاده صورت می‌گیرد محیط خانواده "پدر سالارانه" نیز بر آنان نا امس و برخی از موارد بسیار وحشیانه بوده و مورد حمایت حاکمان وقت قرار می‌گیرد .

در تقسیم بندی جوامع بشری و ساختار حکومتی ایران را می‌توان در ردیف کشورهای بسیار ارتجاعی در مورد حقوق زنان مورد بررسی قرار داد . با این حال زنان در جنبش‌های دموکراتیک شرکت داشته و مواجه با شدیدترین سرکوبها گردیده اند و عمر این آزادی های حقوقی عمری به اندازی تداوم جنبشهای انقلابی داشته است و با

بقیه در صفحه ۲

مصاحبه رفیق یدی شیشوانی با نشریه آرش

نشریه آرش :

آیا تحریم انتخابات آتی میتواند بحران مشروعیت رژیم را تعمیق بخشد و جنبش آزادیخواهی مردم ایران را به جلو سوق دهد و یا اقدامات دیگری لازم است؟

یدی : با علم باینکه انتخابات در ایران هیچ وقت آزاد نبوده و هم اکنون نیز آزاد نیست که مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه به انتخاب نمایندگان واقعی خود بپردازند . پس قبل از هر بحثی روش این است که دریک چنین ساختار سیاسی و اجتماعی، مردم نمیتوانند از طریق شرکت در « انتخابات » در تعیین آگاهانه سرنوشت خود دخالت داشته باشند،

بقیه در صفحه ۲

و انقلابی دیگر

مصطفی حبیبی وند

۲۵ سال از سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه با قیام قهر آمیز توده ای سپری شد . ارتجاع حاگم با سرکوب وحشتناک و ستم و استثمار مضاعف قیام قهرآمیز دیگری را به مردم تحمیل کرد . سوال این است که چرا باید از پس هر انقلاب قهرآمیز به انقلابی از نوع قهرآمیز انجام داد و آیا نمی شود با برهم زدن توازن نیروها به نفع انقلاب نظم نوینی عاری از ستم و استثمار مضاعف بصورت مسالمت آمیز و بدون اعمال قهر بوجود آورد و مردم را بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و . . . خود مسلط ساخت و در سایه دموکراسی فراگیر توده ای از طریق شوراها و انتخابات سالم و آگاهانه به زندگی مسالمت آمیز همت گماشت؟

بقیه در صفحه ۷

در صفحات بعد:

گرمای باد یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام خونین ۵۷	صفحه ۱۰
در خواست حمایت از کلیه اتحادیه و سازمان های کارگری	صفحه ۱۱
دستگیری ۴ تن از اعضای جبهه دموکراتیک را محکوم می کنیم	صفحه ۱۱
اطلاعیه های سازمان	
درگیری وحمله به ستادهای انتخاباتی در مریوان	صفحه ۱۲
تسلیت به بازماندگان حادثه انفجار واگن های قطار در نیشابور	صفحه ۱۲
از کارگران فلسطین حمایت کنیم	صفحه ۱۲

www.fedayi.org

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

انتخابات و دید عشیرتی حاکمان اسلامی در باره حقوق زن!

قوانین مدنی و اجتماعی و حذف دین از حکومت نمی توان ادعای دفاع از حقوق زنان داشت،

انتخاباتی که برای تفسیر و تدوین آیین نامه های اجرائی بر اساس شرع و قانون اساسی صورت گیرد یک حيله بسیار وحشیانه ای است و چنین انتخاباتی ابزاری است برای تداوم بردگی زنان و می تواند خارج از تعارفات نقش زن در خانه و تربیت بچه ها ، به بی هویتی کامل زنان بیانجامد . تهاجم وحشیانه ای به زنان در جمهوری اسلامی با طول عمر رژیم جمهوری اسلامی برابری می کند تا حال چندین انتخابات صورت گرفته است و بعد از هر انتخابات تهاجم به حقوق زن وحشیانه تر شده است . مدارک مستدل و بجا مانده از دادگاههای خانواده و دادگاههای مدنی و انقلابی گواه به پایمال شدن بیرحمانه و عملکرد فوق ارتجاعی رژیم اسلامی در مورد حقوق زن می باشد. رژیم با ترس از عنصر آگاهی و ایجاد رعب و وحشت در میان زنان مترقی عرصه شرکت زنان در مسائل سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی را تنگتر می کند. انتخابات بر اساس قوانین و احکام جمهوری اسلامی برهبری باندهای مافیائی نمی تواند معیاری برای نقش زنان در اجتماع قرار گیرد. بنا براین حقوق زنان را نه در قوانین شرعی بلکه در مرحله نخست جدائی دین از دولت است که می توان نقش زنان را در خارج از چارچوب تنگ و ارتجاعی شرعی بررسی کرد و با حذف قوانین قرون وسطائی جنبش زنان استوار ساخت. همانطور که نقش زنان در جوامع پیشرفته و مترقی وجود قوانین مترقی و حقوق انسانی در همه ی عرصه ها برابر با مردان مستلزم جنبش آگاهانه و مترقی زنان در طول تاریخ می باشد که توانسته از حمایت اجتماعی برخوردار باشند.

دستاوردها و تجربیات جنبشهای برابری طلبانه و مترقی زنان نشان می دهد که حقوق زنان نه براساس نزدیکی به قدرتمندان شرعی و غیرشرعی بلکه درگرو یک مبارزه جدی همراه با زنان مترقی دنیا بوجود می آید. هر چند در ایران باوجود حکومت دینی ، تلاش در چارچوب قوانین ارتجاعی و شرعی نه تنها منتهی به آزادی زنان نمی شود بلکه به قربانی بسیاری از زنان خواهد انجامید بنابراین، مبارزه جدی و دموکراتیک برای دفاع از حقوق زنان تشدید جنبش آزادی خواهانه زنان همگام بانهادهای مترقی و افشا بیرحمانه قوانین اساسی و پایه های شرعی جمهوری اسلامی است.



این حال دستاوردهای هر چند بسیار اندک داشته است . اولین بار زنان توانستند با شرکت در جنبش دموکراتیک آذربایجان زنان در انتخابات شرکت کنند. با سرکوب این جنبش بار دیگر مورد تهاجم بیرحمانه قرار گرفت و با لطمات جدی روبرو گردید . دیکتاتوری پهلوی بعد از مدتی شرکت زنان در انتخابات را به رسمیت شناختی با این وجود حق رای زنان در امور اجتماعی در حاشیه ماند و بافت قشری خانواده ها از پویائی زنان در اجتماع و خانواده جلوگیری بعمل آورد و شرکت زنان در انتخابات مورد سواستفاده قدرتمندان سیاسی قرار گرفت.

بعد از قدرت گیری رژیم جمهوری اسلامی ایران با وجود شرکت مردم در جنبش توده ای حقوق زنان شدیداً مورد تجاوز قرار گرفت و بر اساس تعاریف حقوقی زن در اسلام جدا از نصاب و تبلیغات شکل گرفته با احکام شرعی بکلی نادیده گرفته شد و بی هویتی آن تا درون ساختار خانواده کشانده شد . با بررسی قانون اساسی و حواله آن به شرع و اسلام ، قوانین شرعی بصورت قوانین مدنی رسمیت پیدا کرد و احکام دادگاهها و حاکمان شرع برای سرکوب زنان به حریم خصوصی خانواده ها نیز دست درازی کردند . با تثبیت قوانین فوق ارتجاعی شرعی با عناوین مجازات اسلامی ، قصاص ، دیه و سنگسار و صیغه و . . . توسط پارلمانهای اسلامی تصویب و توسط حکام شرع به اجرا گذاشته شد و زنان مبارز زیادی به جوخه های اعدام سپرده شدند و یا شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند و یا در ناهنجاری های اجتماعی سنگسار یا به زندانهای تحویل المدت محکوم شدند. با این تعرض آشکار به حقوق فردی و اجتماعی زنان، رژیم مذهبی با استفاده از احساسات مذهبی و با طرح شعارهای ظاهراً ضد استثماری و انساندوستانه توانست بسیاری از زنان را بطور داوطلبانه به دفاع از تدوین قوانین ارتجاعی بکشاند مردان را علیرغم میل باطنی به —مرده داران نویی تبدیل نماید . رژیم با طرح رعایت شئون اسلامی زنان را زیر پوشش اجباری در آورد و عملاً از مرد یک چهره خطرناک و هوسباز ساخت و به شکاف موجود خانواده ها افزود. قوانین ازدواج و طلاق و صیغه نیز زن را به حد کالای مورد استفاده شخصی مرد تنزل داد و بسیاری از زنان را به دفاع از ارزش کالائی خود کرد و اطاعت از مرد را اجباری و در نصاب، امتیازی برای عبور از پل صراط برای بهشت قلمداد کرد . این نوع قوانین و احکام عملاً به تقویت حق مالکیت مرد بر زن انجامید و زنان از نظر قانونی و شرعی به مالکیت مردان در آمدند.

جمهوری اسلامی در سایه احساسات مذهبی و نا آگاهی بخش قابل توجهی از زنان و مردان به سرکوب بیرحمانه مبارزات برابری طلبانه زنان پرداخت و با اعدام بیشمار زنان آزادیخواه توانست حقوق زن را در جامعه و درون ساختار خانواده متزلزل سازد . در چنین شرایطی تغییرات در روابط سیاسی جامعه بدون تغییرات بنیادی در

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

حضور آمریکا در منطقه برای در هم شکستی موانع گردش آزاد کالا و تسلط بر منابع طبیعی و انسانی محسوب میشود. در فاصله دو انتخابات تشدید این روند همچنین عامل تشدید بحران سیاسی و یکی دیگر از عوامل تشدید تضادهای درون جاکمیت اسلامی است، چرا که پیاده شدن کامل سیستم نئولیبرالیسم ساختار سیاسی را طلب میکند که امکان رقابت آزاد بورژوازی و گردش آزاد کالاها و همچنین امنیت سرمایه را تضمین کند و این علاوه بر ساختار اقتصادی، با ساختار و قوانین فعلی جمهوری اسلامی نیز سازگاری لازم را ندارد و مرتب با قوانین و سنت های اسلامی برخورد میکند.

سوم برای پایه گسرها اعتراضات و اعتصابات کارگری و مردمی است که با تصویب لایحه های ضد کارگری و ضد مردمی در مجلس و اجرای خشخشی خصوصی سازیها و پادار هوا ماندن وعده های دولت در این فاصله، بسیار گسترده تر و رادیکالتر شده است.

چهارم تاثیر عوامل فوق در روند های اجتماعی و اقتصادی است که در کارچالش با ساختار سیاسی موجود و در پی درهم شکستی موانع آن است. در آستانه انتخابات مجلس از درون مجموعه این روندها تضادها و کنش و واکنشها، پدیده های سیاسی و اقتصادی نمونه وار، متناقض و گاه منطقی فراوان است که برخی از آنها همچون شباهتی در آسمان تیره نمایان و سپس در برخورد با جو زمین محسوس میشوند و برخی دیگر در برخورد با واقعیات زمینی سیقل میابند و در کنار پدیده هم سنخ خود قرار میگیرند و آنرا تکمیل میکنند.

از جمله اینکه احزاب و جریانات جدیدی بوجود میآیند، اتفاقها و اتحادها پدید آمده و به تجزیه و زوال میگذارند و یا در یک جریان اصلی تر و طبقاتی ترادغام میگردند. از میان همه این تضادها و کنش و واکنشها دو پدیده بسیار روش و قابل رویت وجود دارد.

دو پدیده ای که تمام دیگر پدیده ها و تضادها را تحت الشعاع خود قرار داده است. اولی اقشار و طبقات دارای ایران است که، من از لغت غربی آن بورژوازی استفاده میکنم که کمتر از ۲۰ و یا ۲۵ درصد جمعیت را تشکیل میدهند و قدرت سیاسی را با تمام تناقضاتش در دست دارند. و دومی آن توده عظیم کار و زحمت است که با شاخ و برگهایش همان ۷۰-۷۵ درصد را تشکیل میدهند. من

در این مقاله به تفکیک آماری این درصدها نمی پردازم و اینکه از لحاظ تاریخی ستون فقرات این جامعه را مثل هر جامعه سرمایه داری دیگر طبقه حاکم و محکوم تشکیل میدهند و بقیه توده های مردم میان این دو در کار تنازع بقا هستند، صحبت نمکنم، اولی لازم میدانم در حصد گنجایش حجم مقاله به سیمای عمومی این دو پدیده اشاره بکنم تا ببینیم که اولاً این دو جناح از حاکمیت که قرار است وابستگانشان بعد از گذشتن از فیلتر ارگانهای مختلف رژیم تایید صلاحیت شده و به مردم اجازه دهند که از میان آنها دست به «انتخاب» بزنند، ربطی به آن جنبه آزادخواهی مردمی که در سوال شما بیان شده است، دارد یا نه؟ و این جنبه آزادی و ضد آزادی کجا قرار گرفته است؟

بقیه در صفحه بعد

یدی: با علم اینکه انتخابات در ایران هیچ وقت آزاد نبوده و هم اکنون نیز آزاد نیست که مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه به انتخاب نمایندگان واقعی خود بپردازند. پس قبل از هر بحثی روش این است که در یک چنین ساختار سیاسی و اجتماعی، مردم نمیتوانند از طریق شرکت در «انتخابات» در تعیین آگاهانه سرنوشت خود دخالت داشته باشند، بلکه ابتدا باید در کار درهم شکستی چنین ساختاری باشند تا بتوانند ساختارها و بنیادهای دموکراتیک مبتنی بر اراده آزاد خود را بوجود بیاورند. اگر نرفتن به پای صندوقها و تحریم انتخابات در راستای چنین هدفی بوده باشد، بی تردید در جهت افشای بیشتر نا مشروعیت رژیم و در خدمت گسترش مبارزه آزادیخواهانه آنها است. ولی کافی نیست، اقدامات دیگری هم لازم است، که در محور این اقدامات متشکل شدن فوری در کارخانجات، مدارس، ادارات، دانشگاهها و سربازخانهها و تشکیل شوراهای و انجمنهای ایالتی و ولایتی بعنوان تشکل های بیانگر قدرت توده مردم و آلترناتیواستبداد حاکم قرار دارد که اقدام در این راستا بیشتر از هر زمان دیگر ضرورت و فوریت دارد. در غیر این صورت تحریم کردن و یا نکردن چنین «انتخاباتی» به زحمت اش نمیآورد، زیرا نه بحران مشروعیت رژیم را تعمیق میبخشد و نه جنبش آزادیخواهی مردم رابه جلو سوق میدهد. (لازم به ذکر میدانم که بنظر من «بحران مشروعیت» واژه مناسبی نیست چرا که این را تداعی میکند که گویا در گذشته بدلیل شرکت ۶۰ و ۷۰ درصد مردم در «انتخابات» این رژیم با همه سرکوبگریها و ددمنشیهایش مشروع بوده است و یا اگر مردم در این «انتخابات» شرکت نکنند رژیم برژیمنی مشروع خواهد بود (در این باره و نیز لزوم اقدامات مردم برای سنگربندی توده ای و ایجاد انجمنها و شوراهای ایالتی و ولایتی بمثابه آلترناتیو قدرت) به چندویژه گی اوضاع عمومی ایران و رژیم حاکم بر آن در آستانه انتخابات هفتم اشاره میکنم تا زمینه های عینی و اجتماعی و سیاسی آنچه که گفتیم روشن شود.

ویژه گی اول تحولاتی است که در فاصله بین دو «انتخابات» در امتداد مرزهای ایران صورت گرفته است. تحولاتی که هم در دید و استراتژی کشورهای معظم سرمایه داری و در راس آنها امپریالیسم آمریکا نسبت به حال و آینده ایران تغییراتی را بوجود آورده است و هم در استراتژی، تاکتیکها و سیاست های رژیم تغییراتی را موجب گردیده و متقابلاً در طرز تلقی و برداشت مردم از مسایل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی موثر بوده است.

دوم علیرغم رشد اقتصادی از طریق افزایش قیمت نفت، مانا با سامانی فقر و بحران اجتماعی تعمیق یافته است. نقطه گری و منشا و عامل تشدید این بحران به اجرا گذاشته شدن قراردادهای بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول، یعنی همان نئولیبرالیسم و رفع موانع رقابت در بازار، تشکیل میدهد که از جمله اهداف مهم

مصاحبه رفیق یدی شیشوانی با نشریه آرش

بورژوازی ایران

موافقت و بدون تردید درآینده در این زمینه به اقدامات بیشتری هم دست خواهند زد. اگرهم عناصری و گروهایی از آنها درمقابل این روند بطورجدی بایستند مطمئنن منطق سرمایه آنها را مجبور به تمکین خواهد کرد.

اما علت اصلی شکست پروژه اصلاحات این بود که توسعه سیاسی مورد ادعای آنها نمیتوانست (و همچنان نمیتواند) بدون وجه مکمل آن یعنی عدالت اجتماعی به پیش رفته و موفق شود. چیزی که بورژوازی ایران در کل و بخش اصلاح طلب آن بویژه نشان دادند که نه میخواهند و نه میتوانند در این زمینه امتیازی به طبقه کارگر و محرومان جامعه واگذارکنند.

اگر از عالم هیروت بیرون آمده و در وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه نیک بنگریم، این سوال مطرح میشود که در کجای تاریخ دیده شده و چطور میشود در جامعه فقرزده و دوقطبی شده ایران که در یکطرف مافیای قدرت و ثروت است و در سوی دیگر انبوهی از محرومین قرار دارند با طوماری از خواست های دموکراتیک، سیاسی، صنفی و برابری طلبانه و غیره، با این وجود آزادیهای نیم بندی را پیاده کرد و سایه از گانهای تمرکز دهنده ای نظیر ولایت فقیه و شورای نگهبان و غیره را (که بقول خودشان عمود خیمه نظام هستند) برچید و یا تضعیف کرد، در عین حال از طریق تشدید استثمار و چپاول، دزدی، قاچاق و... میلیونها دلار به جیب زد ولی انتظار داشت که این انبوه کار و زحمت برپا نخیزند و به وضعیت موجود اعتراض نکنند، اعتصاب راه نیندازند تشکیل های حزبی و صنفی خود را ایجاد نکنند و سرانجام حساب خود را با این دم و دستگاه یکسره نکنند؟

این همان نقطه گرهی است که نه تنها مانع پیش برد اصلاحات وعده داده شده است بلکه اختلافات، انشعابات، اتحادها و تناقضات جناح های درون رژیم را هم در زمینه سیاست داخلی و هم خارجی و بویژه در برخورد به درجه و میزان الحاره اصلاحات ادعایی و هم درباره انتخابات اخیر توضیح میدهند.

مردم باید بدانند و اکنون اکثریتی از آنها میدانند که حفظ نظام برای رهبران رژیم از هر دو جناح معنی جز این ندارد که ایجاد زمینه و امکان رقابت بورژوازی در بازار، امکان پیاده کردن قرارهای صندوق بین المملی پول و سایر پیشنهادات کشورهای غربی، امکان پیشبرد اصلاحات در این چهارچوب، آری، بشرطی که امکان تشکیل، آگاهی و انتخاب آزاد به این خیل محروم که دارد زیر یکی از تبعات این نئولیبرالیسم یعنی خصوصی سازی و یک رژیم متمرکز دینی و استبدادی میسوزد داده نشود و گرنه نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان! امری که کم و بیش مورد تایید کشورهای غربی و استراتژیست های بانگ جهانی و صندوق بین المملی پول هم در شرایط حاضر هست. و حداقل بنا به تجربه کشورهای دیگر بویژه آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین به این تمرکز چه بانام جمهوری اسلامی و چه با نامی دیگر نیازمندند.

بورژوازی ایران ویا به تعبیر مردم دارندگان قدرت و ثروت جامعه ما که اغلب مذهبی و ضد دموکراتیک هستند تا مقطع روی کارآمدن خاتمی برغم وجود جنگ و نابسامانیهای دیگر خودشان را با وضعیت حاکمیت دینی منطبق کرده و سودهای کلانی به جیب زدند. از پایان جنگ و دوران رفسنجانی که مساله بهبود رابطه با غرب و وارد شدن به سازمان تجارت جهانی و انطباق با جهانی شدن و غیره مطرح و تعدیل اقتصادی ناظر بر خصوصی سازیها در دستور قرار گرفت، به تحکیم موقعیت آنها در عرصه اقتصاد و سیاست کمک کرد. تجزیه و ترکیب بعدی در طبقه بورژوازی ایران و تازه واردینی که به یم حضور ریشه دار خود در ارگانهای حاکمیت بخش مهمی از صنایع خصوصی شده را در اختیار گرفتند و با اعمال نفوذ مدیریت بخشهای عمومی اقتصاد و تجارت راهم از آن خود کردند، این طبقه را تقویت کرد. در پاسخ به بحران ساختاری اقتصادی، هرچه که ضرورت شتاب در روند رفرمهای اقتصادی در جهت انطباق با سیاست جهانی سازی، نئولیبرالیسم و بازار آزاد دیکته شده توسط مراکز پولی بین المللی افزایش یافت، که با فشار اقتصادی به توده های مردم و تشدید اعتراضات آنها توأم بود، به همان میزان ضرورت تغییر و اصلاح در ساختار دولتی نیز به یک امر مبرم تبدیل شد. نتیجه آن بوجود آمدن «جنبش اصلاحات» و عروج خاتمی بود. این در شرایطی بود که رژیم جمهوری اسلامی در عرصه بین المملی کاملاً منزوی و رهبران آن در دادگاه میکونوس به جرم دست داشتن در قتل رهبران حزب دموکرات محکوم شده بودند. خاتمی با طرح شعارهایی نظیر، قانون گرایی و جامعه مدنی و مردم سالاری دینی پرچم این «جنبش» را در دست گرفت و مردم که از اوضاع بد وعده داده شده توسط اصلاح طلبان حکومتی با شرکت وسیع و میلیونی خود در انتخابات به او رای دادند. علاوه بر قدرت اجرایی، مردم در انتخابات مجلس ششم هم باری دیگر به ندای اصلاح طلبان پاسخ داده و با فرستادن کاندیدای آنان به مجلس، قوه مقننه را هم در اختیار آنها قرار دادند اما با وجود این همانطور که میدانم همه شاهدش هستند این جنبش اصلاحات علیرغم انطباق نسبی با روندهای اقتصادی و اوضاع بین المملی با شکست مواجه شد و به پیش برده نشد و یا نتوانستند به پیش ببرند.

علت شکست اصلاحات مورد ادعای خاتمی و سایر افراد و احزاب و جریانات طرفدار آن در رسیدن به اهداف اعلام شده و وعده های داده شده، در گوهر خود نه وجود چیزی بنام جمهوری با پسوند اسلامی اش و نه ارگانهای محافظ آن نظیر شورای نگهبان و تشخیص مصلحت و نه حتی خود ولایت فقیه است که اینها در مجموع برای حفظ نظام و موفقیت اقتصادی و سیاسی خود طرفداران شان که بخش مهمی از مراکز اقتصادی و تجاری را در دست دارند، هم از سیاست های بانگ جهانی و صندوق بین المملی پول حمایت میکنند و هم داشتن رابطه با غرب و هم با اصلاحات منطبق با آن در ساختار سیاسی جامعه

مصاحبه رفیق یدی شیشوانی با نشریه آرش

بنا برای است که مردم چه درانتخابات شرکت نکنند و چه نکنند تا وقتی که این معادله بهم نخورده یعنی جنبش‌کارگری و مردمی یعنی جنبه آزادی و برابری مستقلا وارد میدان نشده است ، در ایستراتژی کلیت رژیم تغییری بوجود نخواهد آمد.

وضعیت طبقه کارگر وکل محرومین درآستانه انتخابات.

یعنی آن ۷۰-۶۰ درصدی که قرار است تحریم یا شرکت در «انتخابات» به تعمیق مبارزه آزادیخواهانه آنها بیانجامد به چه نحوی است ؟ این اقشار و طبقات محروم که در راس و محور آنها طبقه کارگرایران قرار دارد . در فاصله این دو انتخابات (که امیدوار بودند وعده و وعید های اصلاح طلبان بهبودی در وضعیت اقتصادی و زندگی اجتماعی و سیاسی شان بوجود آود)، وضع زندگی اقتصادی و سیاسی شان تنها نسبت به سالهای قبل بهتر نشده بلکه در نتیجه تداوم سیاست های اقتصادی دولت بویژه پروژه خصوصی سازیها متحمل آنچنان محرومیت ها و فشارهایی شده اند که تاکنون بی سابقه بوده است ، میلیونها کارگر در فاصله این دو انتخابات از کار اخراج ، باز خرید شده اند و یا ماه هاست که حقوق و مزایای خود را دریافت ننموده اند ، صدها کارخانه تعطیل و صاحبان آنها با اخراج و یا بلاتکلیف گذاشتن کارگران و کارکنان با پول وامهای دولتی و یافروش زمی های کارخانجات به برج سازی و سرمایه گذاری در بورس و بازار مشغولند . به تبع بیکاری ، سطح پائین دستمزدها و عدم دریافت بموقع حقوق ها ، قدرت خرید کارگران و بخشی از سایر حقوق بگیران را بشدت پایین آورده و میلیونها کاسب و صاحبان مشاغل کوچک و دهقانان که از قبل این طبقه و حقوق بگیران دیگر ارتزاق میکردند با بحران و ورشکستگی مواجه شده اند ، اعتیاد ، فحشا ، فروش زنان و دختران ، فروش اعضای بدن بدلیل فقر مطلق بی مسکنی عدم اطمینان به آینده و انواع امراض روانی و ناهنجاریهای اجتماعی این طبقه واقشار محروم دیگر را در شرایط وحشتناکی قرار داده است .

درعوض زیر پرچم اصلاحات طبقه بورژوا وحشو وزوائد آن به ثروت های بی سابقه ای دست یافته اند و بقول یک نماینده کارگری « در هیچ کجای دنیا حتی کشورهای مهد سرمایه داری اینگونه به سرمایه و سرمایه داران خدمت نمیکند . » درده اخیر بویژه بعد از دوم خرداد طبقه بورژوای ایران در حالیکه برای سامان دادن به رقابت مسالمت آمیز بین خود به تشکیل احزاب و انتشار روزنامه ها و غیره دست زده اما این طبقات محروم نه تنها از هرگونه تشکل مستقل سیاسی و صنفی محروم بودند بلکه تلاش شده است تا از شمول قوانین خود جمهوری اسلامی نیز برکنار بمانند ، خارج کردن کارگران کارگاه های کوچک از شمول قانون کار و رسمیت دادن به کارهای قراردادهای موقت و حذف آن بخش از مواد و تبصره های قانون کار که زمانی تحت فشار کارگران در آن گنجانده شده بود از جمله این موارد است . این موقعیت و تاکید کارگران برخواست هایشان و همسرنوشت شدن اجباری بقیه آن محرومان با این طبقه خود بخود

جنبه های ازخواست هارا ایجاد کرده است که نه با برنامه و استراتژی جناح های چپ و راست رژیم ونه با برنامه های دیکته شده از طرف مراکز بین المللی پول و غیره سازگاری دارند پنجم سطح آگاهی مردم است که بالا رفته وخواست هارادکالتر شده اند .

در فاصله دو انتخابات علاوه بر عوامل اقتصادی عملکرد خود اصلاح طلبان نیز بر سطح آگاهی مردم افزوده و مردم را باین نتیجه رسانده است که اصلاحات در چهارچوب رژیم ولایت فقیه امکان پذیر نیست . اکنون علاوه برخواست تحقق مطالبات معوقه دموکراتیک و آزادیهای سیاسی ، اجتماعی فرهنگی ملی و غیره ، مخالفت جدی با مافیای قدرت و ثروت یعنی همان ۲۰ و ۲۵ درصد فوق الذکر و خواست برابری و حل مشکلات اقتصادی در اعتراضات مردم بصورت بارزی مطرح میگردد . چه اعتصاب کنندگان و اعتراض کنندگان به این امر آگاه بوده باشند و چه از روی غریزه طبقاتی و منافع عینی خود آنها را مطرح نموده باشند این جهت گیری جهت گیری است که کل نظام و هم مافیای قدرت و هم ثروت را هدف گیری کرده است ، هم اکنون کف خواسته های مردم بسیار بالاتر از سقف برنامه اصلاح طلبان و احزاب و جریانات و نظریه پردازان طرفدار آنهاست . هم در داخل و هم در خارج کشور . اگر در دوم خرداد اظهارات و تفسیر فیلسوف مابانه خاتمی و اصلاح طلبان تاثیر و امیدی در مردم ایجاد میکرد امروز آنها به تفسیر کنندگان اوضاع نیاز ندارند بلکه در پی کسانی هستند تا این وضعیت را تغییر دهند . اگر قرار است خود مردم این تغییر کیفی را صورت دهند پس راه دیگری جز از طریق شوراها و انجمنها وجود ندارد .

تشدید اختلافات در عین حال محدود شدن دامنه رقابت و نتیجه آن ! باتوجه باینکه تمام شواهد و قرائن و حتی نظرسنجی های ارگانهای مختلف حاکمیت ، و بویژه تجربه انتخابات شوراها مبین این واقعیت است که مردم از « انتخابات » پیش روی استقبال نخواهند کرد و در سطح گسترده ای حد اقل در شهرهای بزرگ آنرا تحریم خواهند نمود . و این عدم شرکت هم جز نه گفتن چندین باره به کلیت نظام در حال حاضر معنی دیگری در بر ندارد .

این امر باعث شده است تارقات بین جناح های درون حکومتی با چشم انداز عدم شرکت مردم تنها و عمدتا به نیروهای ثابت دو جناح محدود شده و رقابت بین آنها را تشدید کند . رقابت بین آن دسته از سردمداران حکومتی و نیروهای اقتصادی پشت سر آنهاست که هر کدام به نیروهای خاص و ثابت خودشان در پایه متکی هستند که برای در دست گرفتن اهرم های سیاسی بمنظور پیش برد منافع اقتصادی خود تلاش میکنند پشتیبانی آنها را داشته باشند .

از طرفی نیروها و حکومت های نامشروع و ارتجاعی و سرکوبگر علیرغم تنفر مردم و فقدان مشروعیت لازم ، لاجرم همواره برای دادن مشروعیت ظاهری بخود نیازمند حفظ پایه های ثابت خود و از طریق فعال کردن آنها دست یابی به آرای بیشتر و گرفتن امتیاز

مصاحبه رفیق یدی شیشوانی با نشریه آرش

کندبرای مصالحه و اتکا به نفس رهبران رژیم، افزایش قیمت نفت و رشد اقتصادی یکی دوسال اخیر کمک شایانی میکنند.

رشد نسبی اقتصاد برپایه افزایش قیمت نفت و موقعیت بهتر جناح قدرتمند (محافظه کاران) در عرصه بین المللی .

علاوه بر مواردی که درباره موقعیت بهتر محافظه کاران بیان شد در سالهای اخیر افزایش قیمت نفت امکان رشد اقتصادی را بنا به گفته آمار نزدیک به ۷ درصد رسانده است رهبران اصلی رژیم که قدرت اصلی را در دست دارند امیدوارند با بهبود شاخص های اقتصادی و از طرفی چشم پوشی از برخی فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در جامعه و بازگذاشتن دست مردم در رتق و فتق امور شخصی خود، بتدریج آنها را از مناقشات سیاسی دور و مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم را در حاشیه قرار دهند و یا به دعوای نخبگان سیاسی در بالا محدود کرده و مردم را از صحنه سیاسی دور کنند. این امکان هم یک امکان واقعی است که در صورت عدم حضور جنبش مستقل و سازمان یافته مردم میتواند به ادامه حیات رژیم و تداوم وضع موجود کمک کند.

از جنبه بین المللی هم با وجود حضور ایالات متحده آمریکا در طول مرزهای کشور بعنوان ابر قدرت تاثیرگذار در تحولات ایران، اما هم اکنون این ابر قدرت آنقدر در با تلاق عراق گرفتار و سرگرم است که حداقل تا ایجاد ثبات و امنیت در آنجا اقدامی در جهت فشار به ایران بر نخواهد آمد بلکه مذاکره با دارندگان اصلی قدرت را در پیش خواهد گرفت، در نتیجه محافظه کاران آگاهانه سعی خواهند کرد مجلسی غرب پسند و با حضور افراد شاخص جناح مقابل فراهم آورند که ظاهراً از طریق یک رقابت آزاد و کشمکش طولانی که نشانه وجود دموکراسی هم هست برقرار شده باشد . و سپس همزمان با سخت گیری بیشتر برای مردم با بستن قراردادهای اسارت با رویه کمک دلارهای نفتی به حل و فصل اختلافات خود با غرب و آمریکا بپردازند کفایت اشاره کنم که طی یکی دو ماه گذشته «حس روحانی» به ابتکار همین محافظه کاران با وارد شدن به عرصه دیپلماسی خارجی با سرعت و قدرت به مصالحه و بستن قراردادهای مهم سیاسی و اقتصادی با غرب دست زده است. از امضای پرتکل الحاقی گرفته تا رابطه با مصر ، تحکیم رابطه با اتحادیه اروپا و مذاکره با ایالات متحده از جمله این اقدامات است .

بنابراین بر اثر مجموعه تحولات و حوادث سیاسی و اجتماعی و بین المللی که به آنها اشاره رفت « انتخابات » این دوره در جهت و راستای استراتژی محافظه کاران یعنی اصلی ترین صاحبان قدرت و به عبارت دیگر در راستای استراتژی جدید مجموعه رژیم پیش میرود، نگاهی به قانون اساسی ، برخورد شورای نگهبان و قدرت و امکانات مجلس تشخیص مصلحت و خود ولایت فقیه بروشنی نشان میدهد که مجلس آینده حتی اگر بفرض محال از طریق یک انتخابات آزاد هم تشکیل شود و انبوهی از همین قماش اصلاح طلب و غیره هم وارد آن بشوند با توجه به حضور ارگانهایی نظیر شورای نگهبان تشخیص

از طرف مقابل هستند . بنا بر این است که هر کدام از این جناح ها تلاش میکنند به نحوی طرفداران خود را راضی نگهدارند و دست زدن به تحص و غیره هم انعکاسی از فشار پایه آنهاست در مراکز مختلف اقتصادی ، اجتماعی دانشگاهی و غیره که تا میتوانند امتیاز بگیرند . (بعید نیست که در یک نظرسنجی ویا بفرض شرکت بخشی از مردم در انتخابات این جناح بخاطر عملکردش در دوره گذشته باز هم شکست بخورد برای همین از عدم حضور مردم زیاد نگران نیستند بلکه خواهان این هستند که « حق شان » ضایع و انتخاب شوندگان بی رقیب نباشند!)

تغییر استراتژی جناح های قدرتمند، معروف به محافظه کاران !
در فاصله دوانتخابات تحولاتی که رخ داده اند به تغییراتی در استراتژی محافظه کاران منجر شده است ، آنها طی این مدت علاوه بر پیش کشیدن عوام فریبانه شعار دفاع از مستضعفین و « مبارزه با مفسد اقتصادی » اکنون با مهارتی باور نکردنی سعی دارند با شعارهای اصلاح طلبان و برخی از خواست های مردم کنار بیایند . مدعی هستند که اینها نه تنها مخالف تغییرات مورد نظر مردم نیستند بلکه برعکس جناح اصلاح طلب که به وعده های خود عمل نکرد ، هم میخواهند و هم قادرند و عده های داده شده را پیاده کنند هم اکنون آنها این شایعات را راه انداخته و تبلیغ و ترویج میکنند که تمام آنچه که بعنوان خط امام و جریان « انقلابی » و رادیکال دست به تسخیر سفارت ، سازماندهی گروه های تروریستی و کمک به جنبش فلسطین و ترور و شکنجه و مخالفت با غرب را براه انداختند و یا دست به اختلاس و ثروت اندوزی و دزدی زدند ، همین مدعیان اصلاحات بودند و نه ما! و شایعاتی که گویا محافظه کاران در آینده به بازسازی دولت « مدرن » دست خواهند زد و بخش زیادی از قوانین و موانع موجود در جهت خواست مردم تغییر خواهد کرد آنها با توجه به گشودن باب مذاکره با مصر عوض کردن نام خیابان خالد اسلامبولی و عملاً اعلام کرده اند که حاضرند استراتژی سرمایه جهانی حتی باورهای خود را نیز دست کاری کنند . امیدوارند که رواج این شایعات همچون دوره انتخاب خاتمی در گرم کردن تنور انتخابات و نتیجه آن تاثیر گذار باشد.

در عین حال علیرغم فشار بیش از حد شورای نگهبان بر جناح مقابل با علم رهبران رژیم به اینکه حضور جناح موسوم به اصلاح طلبان و یا به عبارت دیگر وجود قدرت دوگانه ، تا این لحظه به نفع کل نظام عمل کرده و وسیله ای بوده در توجیه سرکوب ها و غارت و چپاول دسترنج توده های زحمتکش مردم و فریب افکار عمومی در داخل کشور و در عرصه بین المللی هم وسیله ای بوده در دست دولت ها برای فریب افکار عمومی و توجیه حمایت از این نظام ، بعید بنظر میرسد که این رقابت به کنار گذاشتن کامل نمایندگان جناح مقابل بیانجامد لذا آنها سعی خواهند کرد به نحوی به توافق رسیده و این توافق را طوری سازمان دهند که به گرم شدن تنور انتخابات کمک

مصاحبه رفیق یدی شیشوانی با نشریه آرش

کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم است. اما هستند کسانی و جریاناتی در داخل و خارج که خواستار برگزاری رفراندوم برای تغییر رژیم و یا قانون اساسی آن هستند واقعا اینها در عالم هیپروت سیر میکنند و یا دارند برای خودشان موقعیت تراشی میکنند و گرنه اگر به اولین روستای ایران قدم گذاشته و با اولین روستایی که با او برخورد میکنند، به گفتگو نشسته چنین طرحی را مطرح کنند، با شک و تردید در سلامت عقل سوال کننده، جواب خواهد داد که: عمو! اگر اینهایی که سرکارند اینقدر دموکرات و آزادیخواه هستند که حاضرند طرح شمارا به رفراندوم بگذارند، پس چرا در انتخابات چنین رژیم دموکراتی شرکت نمیکند!؟

بهمن ماه ۱۳۸۲



و انقلابی دیگر

ادامه از صفحه اول

پاسخ به این سوال احتیاج به بررسی همه جانبه از اعتراضات و قیامهای توده ای دوره های اخیر در ایران دارد. با وجود خیزشهای توده ای تغییرات اجتماعی و سیاسی در انحصار و تحت کنترل نیروهای ارتجاعی هماهنگ با سیاستهای انحصارات در آمدند و خواسته های کارگران و سایر زحمتکشان بیرحمانه مورد یورش قرار گرفته و تحركات دموکراتیک سرکوب شده است. اینها سوالاتی است که کارگران و روشنفکران و نیروهای انقلابی و ترقی خواه باید در آن تعمق کرده و پاسخ روشنی برای آنان پیدا کنند.

انقلاب مشروطیت که در نوع خود در قاره آسیا بی نظیر بود با قیام قهرآمیز توده ای همراه گشت و رژیم سلطنتی و فئودالیتة قاجار را به زانو درآورده و به عقب نشینی واداشت. انقلاب مشروطیت نیروهای اجتماعی را بر اساس خواسته های طبقاتی و قشری به دو بخش تقسیم نمود، نیروهای ارتجاعی خواهان ادامه نظم کهن به دفاع از حکومتی شاهنشاهی و به دفاع از شاه و تاج و تخت و دربار درآمدند. روحانیت متمرکز نیز برای دفاع از زمینهای اوقافی و عایدات نذر و خمس و زکات و... و حوزه های علمیه و سالها

مصلحت ولایت فقیه وده ها ماده و تبصره دیگر، مجلسی نخواهد بود که سردمداران نظام از کارکرد آینده آن نگران بوده باشند. از این نقطه نظر آنها تلاش میکنند اختلافات بین خودشان را طوری رهبری کرده و حل و فصل کنند که بتوانند رژیم خود را بعنوان یک رژیمی باثبات در عین حال رقابتی و ایضا «دموکرات» به دنیا معرفی کنند. از آنچه گفته شد نتیجه میگیریم که اولاد در جمهوری اسلامی با توجه به قوانین و ارگانهای کنترل کننده صحبتی هم از پارلمان واقعی و انتخابات آزاد نمیتوانند در میان باشد. رژیم حاکم بر ایران بر آن است تا از همه عوامل مساعد داخلی منطقه ای و بین المللی و نیروی سرکوب خود استفاده کرده و به حاکمیت خود تداوم بخشد و اینکه امروز عوامل متعددی به نفع آن ۲۰ و ۲۵ درصد مافیای قدرت و ثروت و دولت ارتجاعی و استبدادیشان عمل میکند و تنها مشکل اساسی رژیم سرکوبگر و ارتجاعی حاکم انزوای بیش از پیش در داخل و تنفر مردم از آنهاست و وحشت از اینکه از جرقه ای آتشفشانی سربرآورد. تحریم انتخابات به مثابه یک نه بزرگ به کلیت رژیم میتواند مشروع و غیرمردمی بودن آن را بیش از پیش نمایان سازد و پشتیبانی افکار عمومی بین المللی را از مبارزات مردم تامین کند. اما روش است که تنها تحریم انتخابات برای تعمیق و گسترش مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کافی نیست. مردم باید به قدرت و امکانات مستقل و توده ای خود آگاه باشند. و از آن استفاده کنند تا بتوانند خواست های فوری خود را بدست آورده چشم انداز رسیدن به اهداف دراز مدت خود، یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری را بگشایند.

بنظر من با توجه باینکه مردم نیز به تجربه دریافته اند که در این رژیم هرگونه حقیق انتخاب از آنها سلب و حتی مصوبات مجلس شورای اسلامیشان هم وقتی بامنافع مافیای قدرت و ثروت تلاقی کند پیشیزی ارزش ندارد نظیر دوران استبداد محمد علی شاه، راهی ندارند جز اینکه در ایالات و ولایات و در کارخانه و اداره و مدرسه ها و دانشگاه ها و بطور کلی در شهر و روستا دست با ایجاد شوراهای و انجمن های ایالتی و ولایتی زده و عملا قدرت و امکانات خود را در برابر جبهه استبداد و ارتجاع و حامیان خارجی آنها به منصف ظهور برسانند. این در عمل بدین معنی است که بامتشکل شدن این توده عظیم کار و زحمت در محل کار و زندگی و حضور همه نمایندگان مردم در انجمن ها و به تعبیر من شوراهای مستقل ایالتی و ولایتی همزمان هم اجزای خواست های فوری و رفاهیی را بمثابه برنامه عمل خود گارانتی میکنند و هم قدرت واقعی مردم را در برابر دم و دستگاه ارتجاع به صحنه میاورند در این زمینه بویژه سنت و تجربه خود مردم از دوران مشروطیت تا به کنون به کمک شان خواهد آمد. تردیدی نیست که این قدرت و تنها این قدرت مردمی است که آزادی و دموکراسی و تمام آنچه که مردم در طی این صد سال بخاطر آن مبارزه کرده اند، بدست آورده و تضمین خواهد کرد. این آلترناتیو «اقدامات دیگر» ما

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

و انقلابی دیگر

دعا به ظل الله باشعار مشروعه ی سلطنتی به حمایت سیستم ارباب و رعیتی در آمدند . در طرف دیگر زحمتکشان شهری که از ستم حاکمان و قداره بندان به ستوه آمده و رعیت‌هایی که بصورت برده وار به استثمار مستقیم در آمده و نیروهای روشنفکرو تجددخواه که نظام حاکم را مانع جدی در مقابل پیشرفت جامعه می دیدند.

خواستار دگرگونی در ساختار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بودند. انقلاب مشروطیت توانست نیروهایی که خواستار دگرگونی از طریق شکست ساختار حکومتی و خواستار رهائی از زنجیرهای مالکان و سیستم ارباب و رعیتی و ساختار استبدادی و سرکوبگرانه آن بودند دور خود گرد آورد. ایجاد ساختار جدید با وجود رشد شهرنشینی و نوع جدید اشتغال با آزادی دهقانان از زمین را به همراه داشت ، رشد صنعت نیروی جدیدی می طلبید، تجار به دنبال راههای امس و محیط آرام برای رونق کسب و کار بودند. روشنفکران بدنبال ایجاد تشکیلات مدرن و امنیت اجتماعی بودند که قیام توده ای را به همراه آورد . تشکیلات مدرن در نبود جایگاه اجتماعی و انسجام بورژوازی صنعتی ورشد فزاینده بورژوازی تجاری شدیداً محافظه کارانه وارد جنبش گردید و به تشکیل مجلس نمایندگی قناعت کرد و به دنبال رفرم و سهیم شدن در قدرت سیاسی گردید. با وجود روشنفکران تجددخواه و فراری از مسجد و کلیسا جنبش توده ای را به انحراف کشاندند.

البته نباید تاثیر رشد ناموزون اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و . . . در مناطق مختلف ایران را از نظر دور داشت وجود ساختار عشیرتی و عقب مانده در بخش وسیعی از ایالات و ولایات فاکتور مهمی در تحولات جامعه بازی کرد و هنوز هم این پدیده ناموزون به پایگاه مطمئنی برای نیروهای ارتجاعی در آمده است. بنابراین با توجه به تشکل نیروهای ارتجاعی و وسعت و پراکندگی نیروهای آن پیروزی انقلاب بدون درهم شکست ساختار نظم کهنه صدمات زیادی را متحمل خواهد شد.

فردای ۲۲ بهمن بار دیگر ضد انقلاب توانست در سایه یک سری شعارهای مغشوش و بی پایه توده های مردم را بسیج نماید و انقلاب را بدست آنها سرکوب کند. با رشد سرمایه داری وابسته بورژوازی ملی تحلیل رفت و با رشد صنایع وابسته طبقات کارگر و بورژوازی تضعیف نمود و بورژوازی ملی را نابود و پس مانده های روشنفکری آنها به زائده ی بورژوازی انحصاری تبدیل و منافع بورژوازی نفس بریده ملی را به تغییراتی در هیئت حاکمه ارتجاعی وابسته کرد. بنابراین این قشر نه می توانست تشکیلاتی از خارج قدرت حاکمیت سیاسی بوجود آورد و نه می توانست خارج از اراده سرمایه انحصاری به حیات خود ادامه دهد. با وجود شکنندگی و پراکندگی صنایع و مدیریت ارتجاعی آن طبقه کارگر نیز نتوانست تشکیلات مستقل جهت دفاع از منافع صنفی و سیاسی خود دفاع و قدرت طبقاتی خود را برای دفاع از منافع عمومی سازماندهی نماید. بارشده بازار و

تمرکز سرمایه در دست بورژوازی سنتی بازار، این قشر توانست خود را حفظ و تشکیلات نسبی بوجود آورد و خورده بورژوازی فعال در توزیع سنتی را به سوی خود بکشاند و اهداف و برنامه های خود را با تصاحب قدرت دولتی پیش برد. این قشر متضاد بامدرنیته، بخش عظیم صنایع و امکانات را در اختیار بخش سرمایه سنتی قرار داد و بورکراسی دولتی را بسوی دلالی و پورسانت سوق دهد. با این وجود بورکراسی دولتی در تضاد با منافع این قشر قرار گرفت و با روی آوری به توزیع و واردات و صادرات باند جدیدی را بوجود آورد.

مدیران دولتی برای حفظ قدرت سعی نمودند تا از طریق اهرم های اقتصادی دولتی و استفاده از امکانات حکومتی تشکیلات جدید خود را پایه ریزی کردند و جریان اصلاح طلبی بوجود آوردند. این جریان توانست در پناه نارضایتی توده ای و باطرح شعارهای انحرافی و با گشاندن مردم به پای انتخابات فرمایشی آلترناتیو دولتی را مدتی حفظ کرده و اعتراضات توده ای را کنترل نماید با رشد بحران همه جانبه این طرح با شکست روبرو گردید.

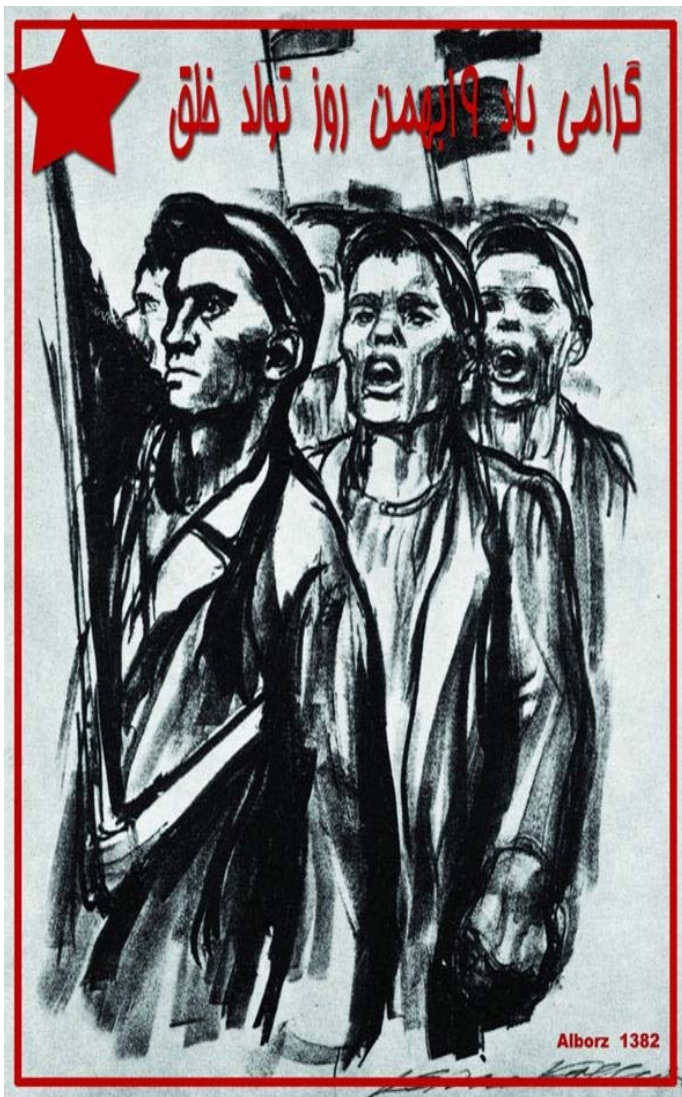
در نبود برنامه مدون و تشکلهای مستحکم و مستقل انقلابی و توده ای مردم به دنبال بورژوازی معترض کشانده شدند . در مبارزات اخیر کمتر کسی است که مبارزات کارگران بخصوص کارگران نفت را نادیده و نقش کارگران را در سرنگونی رژیم دیکتاتوری سلطنت پهلوی نادیده انگارد . با این وجود در غیبت تشکیلات پویای طبقه کارگر حرکات قهرمانانه کارگران نفت مورد سو استفاده بورژوازی قرار گرفت.

رژیم جمهوری اسلامی در وحشت رژیم از کارگران بخش صنعت را به نابودی کشاند و سرمایه ها را به طرف دلالی سوق داد. بورژوازی تجاری که عقب مانده ترین و ترسو ترین قشر سرمایه داری است هیچگونه ریسکی حتا در طرحهای کوتاه مدت نمی پذیرد در حال حاضر با وجود انتقال سریع پول این ترس به ثابیه تبدیل شده است. از این رو است صنایع بشدت در معرض خطر جدی قرار دارد.

بنابراین با وجود بورژوازی و مافیای مالی عمدتاً تجاری و دلالی نمی توان انتظار کوچکترین قدم در راستای خواسته های توده داشت مافیای نمی تواند از سودهای باد آورده چشم پوشی کند و این سود نیز بدون شرکت سرمایه های انحصاری و امپریالیستی نمی تواند برآورده گردد و حاضر است در این راه تمامی امکانات به حراج بگذارد. بنابراین مافیای مالی از نوع سنتی و اصلاح طلب نمی تواند مشکل بیکاری را حل و صنایع را نجات دهد. عملکرد مافیای مالی را باید واقع بینانه مورد بررسی قرار داد و کارگران و سایر زحمتکشان از آینده اسفبار آگاه نمود و تبلیغات غیر واقعی رژیم را افشا نمود. رژیم ادعا می کند که صنایع ماشین سازی رشد بیسابقه ای یافته در صورتیکه واردات ماشین آلات سرسام آور شده است . رژیم ادعا می کند که مناطق محروم بازسازی می شوند و بودجه کلانی نیز به این اختصاص داده است در صورتیکه این ستاد در خدمت واردکنندگان اتوموبیل‌های دوو و دیگر اجناس مصرفی قرار گرفته و بدهی های

و انقلابی دیگر

مالکیت و حيله های مافیای مالی از هر نوع و طایفه ای نمی تواند بحران همه جانبه را حل کند . برای خلاصی از این فلاکت و دربردی باید چاره ای جز راه سرمایه داری جستجو کرد . شورش گرسنگان آرژانتین و وجود سلاحهای کشتار جمعی و ایدز و . . . بما نشان داد که سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و تجویز خصوصی سازی صنایع و خدمات عمومی و یا سهام بندی و واگذاری شرکتها و موسسات دولتی جز فقر و فلاکت و آوارگی برای مردم ندارد. برای رهایی از این وضعیت باید نخست اتحاد و سازماندهی مستقل طبقاتی را بوجود آورد و با هماهنگی و اتحاد با سایر نهادهای مترقی و دموکراتیک جنبش سراسری را سازماندهی کرد و با ایجاد شوراها و انجمنهای ایالتی و ولایتی، حکومت شورائی و فدراتیو را برقرار ساخت.



www.fedayi.org

این دلالت رابازپرداخت می نماید. رژیم اشاره به ساخت خودروهای جدید و انرژی هسته ای توسط متخصصان ایرانی می کند در صورتیکه خود متخصصان و کارگران صنایع و . . . بخوبی آگاه هستند که برنامه های این شرکتها و صنایع توسط چه شرکتهایی داده می شود و متخصصان ایرانی از دستیابی آنها محروم هستند و در نهایت در بخشهای جانبی آن مشغول هستند . قرارداد ایران خودرو نیز یکی از نمونه های آن است که با شرکت تالبوت شرکت انحصاری انگلیس برقرار شده است و یا سد سازی ها این عمدتا با قراردادهای خارجی همراه است و حتا عاجز از ساخت تونلهای انحراف آب سدها است . در بخش انتقال آب به کویت که توسط شرکت انگلیسی در ازا ۳۰ سال بهره برداری از آن واگذار می شود و معادن مس به شرکتهای انگلیس براساس بای بک و ۵ ساله واگذار می شود و کارگران مس خاتون آباد را به رگبار می بندد. واگذاری میدانهای نفت و گاز بصورت قراردادهای بای بک که دیگر جای خود دارد و اخیرا نیز ردپای شرکتهای انحصاری امریکا علیرغم تبلیغات مسمم کننده هر دو طرف رو شده است . ادعای بیشرمانه ساخت سلاح های هسته ای که اخیرا رژیم را در بن بست قرارداده و بحران جدیدی در مبادلات بین المللی بوجود آورده است. دسترسی به ساخت سلاح های هسته ای و دستگاههای سانتریفوژ رژیم ادعای بسیار مسخره ای است که ایران را در منجلاب بسیار وحشتناکی قرار می دهد رژیم که از توان ساخت و نگه داری این نوع تکنولوژی عاجز است و در ارتباط با صنایع امپریالیستی به یک سری دستگاهها دسترسی پیدا کرده است . رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد مردم ایران را در بازی از نوع صدام حسین قربانی کند و خدمت بزرگی به حل بحران صنایع نظامی امریکا نماید و بحران دولتهای بوش و بلر را تخفیف دهد . رژیم حتا چنان سرسپرده انحصارات نظامی است که بجای افشا قراردادهای پشت پرده، پاکستان را سپر بلا کرده است. کشیدن پای پاکستان می تواند یکی از این سیاستهای فریبکارانه باشد که در صورت انجام آن نمی توان دخالت کاخ سفید را نادیده انگاشت.

برای حل بحران اقتصادی و اجتماعی و سیاسی انقلاب دیگری لازم دارد ولی پیروزی انقلاب در گرو تشکلهای مستقل و طبقاتی کارگری و نهادهای دموکراتیک توده ای جنبش توده ای آگاهانه است. اعتراضات نوین کارگری نشان می دهد که کارگران اینبار می توانند رهبری جنبش را بدوش بکشند و پشتیبانی توده ای داشته باشند رهبری طبقه کارگر می تواند مالکیت عمومی جایگزین مالکیت خصوصی سازد و امکانات اجتماعی را بطور برابر در اختیار آحاد ملت قرار دهد حقوق زنان و برابری آنان را تضمین و حقوق دموکراتیک و آزادی بیان و عقیده بدون قید و شرط و حق تعیین سرنوشت ملتها را به اجرا بگذارد.

کارگران وزحمتکششان و روشنفکران مترقی شهر و روستا سرمایه و

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

گرامی باد یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام خونین ۵۷!

این دستگاه جور و ستم و استثمار طبقه سرمایه دار ایران خوابیده است. طبقه ای که زیر سایه حکومت سرنیزه هر روز بر حجم ثروت خود میافزاید و هر بار که جنبش آزادیخواهان و برابری طلبان مردم اوج میگیرد به بهانه ای و با ترفندی به میدان آمده و در یکدست چماق سرکوب و در دست دیگر ابزار حيله و نیرنگ درکار حفظ حاکمیت خویش است.

کارگران و زحمتکشان!

در یکسال اخیر تحولات مهمی در منطقه و در ایران بوقوع پیوسته است در حالیکه مردم بکلی از همه جاح های رژیم روی گردانده اند و کوس رسوایی جمهوری اسلامی حامیان و مشاطه گران آن بر سر هر بامی زده شده است. رهبران رژیم تلاش میکنند از فقدان تشکل و همبستگی مردم استفاده کرده نیروهای خود را منسجم کنند و با واگنذاری امتیازات بیشتری به دول اروپایی و آمریکا. چند صباحی دیگر به حاکمیت ننگین خود ادامه دهند، عده ای از جناح های وابسته به حاکمیت و نیروهایی در اپوزیسیون هم تلاش میکنند تا با ارائه طرح هایی نظیر «تغییر بندهای از قانون اساسی» و یا «رفراندوم» بار دیگر مردم را به سراب تغییرات «دموکراتیک» در حاکمیت جمهوری اسلامی امید وار سازند و جلوی آگاهی و مبارزه مستقل مردم برای سرنگونی رژیم را سد و آنرا وجه المصلحه سازشهای خود کنند.

در چنین شرایطی بادرسی آموزی از حماسه سیاهکل و قیام ۵۷ و بیش از ۲۵ سال تجربه مبارزه با اختاپوس سیاه سرمایه در ایران، باید کارگران، زحمتکشان و توده های مردم به قدرت، امکانات و توانایی سرنگونی رژیم و بدست گرفتن قدرت و اداره جامعه آگاه شوند. متشکل شدن در محیط کار و زیست در کارخانه ها، مدارس، محلات و سربازخانه ها و تشکیل شوراهای و انجمن ها در ایالات و ولایات بمثابة آلترناتیو قدرت توده ای قدم های اساسی است در جهت تسداری قیام و سرنگونی رژیم و حاکمیت مردم بر سر نوشت خویش.

به یاد روز تاریخی ۱۹ بهمن حماسه سیاهکل و ۲۲ بهمن قیام توده ها و بادرسی آموزی از این دو واقعه تاریخی، به متشکل شدن و مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حام قدرت و شدت بخشیم و تنها در این صورت است که یاد و خاطره جانفشانان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی داشته ایم.

سازمان اتحاد فداییان کمونیست ۱۶ بهمن ماه ۱۳۸۲

کارگران و زحمتکشان!

کسانیکه خود را جزو مافیای قدرت و ثروت و حاکمیت ارتجاعی آن نمیدانید و دلتان واقعا درگرو آزادی و برابریست! اکنون تمام راه ها را رفتید و دیدید که با وجود رژیم ارتجاعی حاکم دیگر امید بستن به خدا و پیغمبر و نمایندگان آنها در زمین که جز فقر و نکبت، بیکاری بی مسکنی اعتیاد فحشا چیزی به ارمغان نیاورده، خطایی است جبران ناپذیر ظلمی است مضاعف بخود و آتیه فرزندان خود،

در محل کار و زندگی متشکل شوید به تشکیل شوراهای و انجمن های ایلتی و ولایتی همت گمارید آنگاه هیچ قدرتی را برای مقابله با شما که خود می خواهید بر سر نوشت خویش حاکم شوید نخواهد بود.

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

درخواست حمایت از کلیه اتحادیه ها و سازمانهای کارگری

وانسانهای آزادیخواه و مترقی !

خانمها و آقایان ، برادران و خواهران کارگر
رفقا !

درد های گرم ما را بپذیرید !

همانطور که میدانید مدتهاست که تعرض سرمایه به دست آوردهای انسانی ، رفاهی ، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی طبقه کارگر در سراسر جهان شدت و گسترش پیدا کرده است . این تعرض بویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته سرمایه داری باتبعات وحشتناک و ویران کننده ای بر زندگی طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه توأم است . سرکوب بیرحمانه اعتراضات کارگری و نفی ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی ، جلوگیری از تشکیل مستقل صنفی و سیاسی طبقه کارگر دستگیری ، زندان ، شکنجه و اعدام فعالین کارگری ، از جمله اقدامات بورژوازی و حکومت های حاکم بر این کشورهاست .

در ایران که یک حکومت مذهبی ارتجاعی استبدادی بر سر کار است . کارگران از ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای صنفی و سیاسی محروم هستند ، تلاش در جهت ایجاد تشکل های صنفی و سیاسی مستقل که در تمامی قوانین بین المللی ، نظیر بیانیه حقوق بشر ، سازمان بین المللی کار به رسمیت شناخته شده است با سخت ترین مجازات ، یعنی زندان ، شکنجه و اعدام مواجه است . علاوه بر پائین بودن سطح دستمزد ها شدت استثمار ، فقدان تامین اجتماعاتی ، بهداشت محیط کار ، نبود تضمین شغلی ، بیکاری و بی مسکنی که همواره گریبان گیر طبقه کارگر ایران بوده است ، طی سالهای اخیر اجرای برنامه های بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول میلیونها کارگر و خانواده آنها را به سوی فقر و فلاکت بیشتر سوق داده است ، اعتیاد ، محشا ، فروختن اعضای بدن برای گذران زندگی ، خودکشی و افزایش سرسام آور کودکان خیابانی از تبعات سیاست های ضد کارگری دولت و کارفرماهاست . مافیای وابسته به ارگانهای متعدد سرکوب با باصطلاح خریدن کارخانجات و مراکز صنعتی ، حقوق کارگران را پرداخت نمیکنند ، به اخراجهای دسته جمعی دست میزنند ، وامهای ماخوذه از دولت را به بهانه پرداخت حقوق کارگران بالا میکشند ، زمین ها و ماشین آلات را فروخته ، کارگران را به حال خود رها کرده و به برج سازی و سرمایه گذاری در بورس و تجارت و دلالی می پردازند . هر روز ده ها اعتراض ، اعتصاب ، تجمع و راهپیمایی از سوی کارگران در اعتراض به این وحشیگری در گوشه و کنار کشور برپاست . اما پاسخ دولت و کارفرماها به کارگران و خانواده های آنها جز سرکوب ، زندان چیز دیگری نبوده است .

همانطور که در اخبار نیز شنیده و خوانده اید روز ۲۴ ژانویه ۲۰۰۴ نیروهای سرکوبگر رژیم در شهر بایک تجمع اعتراضی کارگران دوب مس خاتون آباد را به گلوله بسته و در نتیجه این تهاجم ددمنشانه

عده ای از کارگران کشته و تعداد زیادی زخمی شده اند و پس از آن نیز اعتراض خانواده ها و مردم شهر به این جنایت ، با سرکوب و دستگیریهای وسیع جواب داده شده است ، گویا رژیم قصد دارد همزمان با گسترش مبارزات برحق کارگران به سرکوب و کشتار بیشتر آنها متوسل شود .

ما در اعتراض به این عمل جنایتکارانه آکسیون سه روزهای را در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار کرده و از شما و سایر تشکلات ، احزاب و سازمانهای کارگری و بشردوست میخواهیم که اعمال سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محکوم کرده و از حقوق کارگران ایران دفاع کنید . ما همچنین خواهان اعزام یک هیات بین المللی از نمایندگان تشکل های کارگری برای رسیدگی به این جنایت و پی گیری و افشا ز محکومیت عاملین آن هستیم . بار دیگر از شما میخواهیم با حمایت از خواست ها ، مطالبات و مبارزات کارگران ایران از تکرار مجدد چنین جنایتی جلوگیری کنید .

آکسیون گوتنبرگ

حزب کمونیست ایران واحد گوتنبرگ

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست واحد گوتنبرگ

و جمعی از انسانهای آزادیخواه و بشردوست ۲۹ ژانویه ۲۰۰۴

دستگیری ۴ تن از اعضای «جبهه دموکراتیک» را محکوم میکنیم!

طبق اطلاعیه سازمان دستگیری ۴ نفر از اعضای جبهه دموکراتیک را محکوم کرد

اخبار رسیده از گوشه و کنار کشور حاکی از آن است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در آستانه « انتخابات » فرمایشی خود برای مرعوب کردن مردم اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید کرده است . طی روزهای اخیر علاوه بر بگیر و ببند های مرسوم ، چندین نفر بجرم توهین به مقامات و تعرض به ماموران دولت به اعدام محکوم شده اند . پنجشنبه ۲۹ بهمن نیز چهار نفر از فعالین «جبهه دموکراتیک » بجرم پخش اعلامیه های تحریم انتخابات ، این جریان در مشهد دستگیر و روانه زندان شده اند .

این دستگیریها نشان می دهد که تجاوز به حقوق دموکراتیک مردم امید بستن به « رفراندوم » و یا « تغییرات دموکراتیک » از راه بحث و گفتگو با سردمداران نظام حاکم آب در هاون کوبیدن و ایجاد مانع در برابر پیشرفت مبارزات مردم است . پس متشکل شویم واز طریق شوراها و انجمن های ایالتی و ولایتی به سمت سرنگونی رژیم و بدست گرفتن سرنوشت خود پیش رویم .

زندانی سیاسی آزاد باید گردد**شکنجه و اعدام الغاء باید گردد****کارگران جهان متحد شوید ! Workers of the world unite!**

زنده باد اتحاد و مبارزه کارگران بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب !

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۲



درگیری و حمله به ستادهای ((انتخاباتی)) در مریوان!

خبر رسیده از شهر مریوان حاکیست که بعد از ظهر امروز درگیری شدیدی بین مردم و نیروهای سرکوبگر بوقوع پیوسته است ، در این درگیری مردم با حمله به ستادهای « انتخاباتی » خشم و نفرت خود از جمهوری اسلامی و وضعیت وخامت بار حاکم بر کشور را به نمایش گذاشتند ، طبق خبر رسیده تظاهرات و اعتراضات همچنان ادامه دارد و رژیم در حال اعزام نیروهای ضد شورش به این شهر است . ما ضمن پشتیبانی از اقدامات انقلابی توده های زحمتکش مریوان ، آنها را به اتحاد در مقابل عوامل رژیم و گسترش مبارزه دعوت میکنیم !

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۲

تسلیت به بازماندگان حادثه انفجار واگن های قطار در نیشابور!

اخبار رسیده حاکی از آن است که امروز صبح در اثر انفجار واگن های قطار حامل بنزین ، گوگرد و سایر مواد آتش زا ، در ایستگاه خیام نیشابور ، صد ها نفر کشته و عده بیشمار دیگری زخمی و روانه بیمارستانها شده اند. انفجار این واگن های حامل مواد آتش زا بقدری شدید و وحشتناک بوده که علاوه بر محل حادثه چندین روستای اطراف را نیز تخریب و خسارات جانی و مالی فراوانی برای اهالی محل بیار آورده است .

ما بی مبالاتی مسئولین این حادثه را شدیداً محکوم کرده و به بازماندگان جان باختگان این حادثه دردناک و اهالی نیشابور و روستاهای اطراف آن صمیمانه تسلیت میگوئیم .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۲

از کارگران فلسطین حمایت کنیم !

اخیراً دولت صهیونیست و نژادپرست اسرائیل با کشیدن دیوار و ایجاد ایستگاه های بازرسی در مناطق فلسطینی نشین ، مانع رفت و آمد کارگران فلسطینی به سرکارهای خود شده است این کارگران که در کارخانه ها و صنایع و خدمات مشغول کار هستند، هر روز ناچارند ساعتهای متوالی وقت شان را به ایستادن در صف های طولانی کنترل و بازرسی سپری کنند و این در شرایطی است که این کارگران با دستمزدی پائین به شدید ترین وجهی مورد استثمار سرمایه داران اسرائیلی قرار میگیرند . کارگران فلسطینی در اعتراض به این اقدامات ضد انسانی از چند روز قبل دست به اعتصاب و اعتراض زده اند. طبق گزارشات رسیده دیروز در نتیجه تیراندازی سربازان اسرائیلی به صفوف کارگران ، یک کارگر ۴۷ ساله در گذرگاه « ارض » جان باخته است .

ما ضمن پشتیبانی از کارگران معترض فلسطینی ، اقدامات ضد انسانی دولت اسرائیل را محکوم کرده و خواستار پایان دادن به تمامی اقدامات ضد کارگری و ضد انسانی دولت اسرائیل هستیم .
و کلیه کارگران مبارز اسرائیلی را به حمایت از خواستهای کارگران فلسطینی فرا میخوانیم !

نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات

سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.

تحریریه:

نظام ص.

کلثوم س.

مصطفی ح.

بهرام ص.

مسئول اجرایی نشریه بهرام ص.

نشانی های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست

www.fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

هیات سیاسی

politburo@fedayi.org

نشریه جهان کمونیستی

jahan@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان و دفتر نشریه دان اولدوزو

azer@fedayi.org Azerbaijan committe

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم